

نظری به رویکردهای موسیقی امروز در گفت‌وگو با مسعود جاهد

موسیقی کنونی بیش‌تر یک موسیقی تجربی است



بی‌نهایت

«لله‌وا، جقدر نغمات موسیقی مازندران در نی‌نوازی شما تأثیر داشته؟ آیا موسیقی نواحی مختلف می‌تواند در موسیقی دستگاهی کاربرد داشته باشد یا خیر؟

من نوازندگی نی را به‌صورت تجربی کار کردم. نحوه درآوردن صدای نی، صداسازی، انگشت‌گذاری و آتوده‌های اولیه را از روی نغمات مازندرانی تمرین می‌کردم. طبیعتاً نواختن آواها و ترانه‌ها نواحی در ابتدای آموزش و یادگیری روی لهجه و جمله‌بندی یک هنرجو تأثیر منفی دارد و بیرون آمدن از آن لحن و گویش زمان‌بر و مشکل است. نی هفت‌بند اساساً یک ساز شهری و بهتر است بگویم ملی و فرانواحی ست. من برای برطرف‌کردن لهجه از روی سازم مدت‌ها از نواختن نغمات مازندرانی امتناع کردم و فقط آثار آقای کسایی و موسوی را مویه‌مو تقلید کردم. به‌همین‌دلیل به هنرجویان نی در شروع یادگیری‌شان، نغمات محلی را توصیه نمی‌کنم. متأسفانه حتی در کتاب‌های سازهای مضرائی این اشکال نیز وجود دارد. وجود تعدادی از نغمات محلی در کنار آثار ملی مشکلی ایجاد نمی‌کند در صورتی‌که در حاشیه باشد نه در متن. هنرجویان پس از یادگیری مطالب ردیف ایرادی نیست که با ملودی‌های محلی آشنا شوند؛ در آن‌صورت از این نغمات بهره می‌گیرند نه اینکه تحت‌الشعاع آن قرار بگیرند.

«ردیف موسیقی ایران بر مبنای ویژگی‌های ساز تار تنظیم شده است. آیا به فکر افتاده‌اید که به جای ترجمه ردیف برای سازی، بتوانید براساس مشخصات ردیف، ردیفی مختص ساز نی و ویژگی‌های آن تنظیم و اجرا کنید؟

درست است؛ ردیف ما براساس پرده‌بندی تار تنظیم شده. چون اکثر ردیف‌دانان آن‌موقع از خانواده افراہنی گرفته تا سایرین تارنواز بودند و طبیعتاً تکنیک‌های تار، ناخودآگاه در آن لحاظ شده ولی یک ساز نوازنده با تجربه نیی آگاهانه می‌تواند با تکنیک‌های خاص نی، مجموعه ردیف را اجرا کند. اجرای مویه‌موی «ردیف میرزا عبدالله» یا اجرای تار برومند با رعایت تکنیک‌های تار، اصلاً میسر نیست و شما یک نوازنده نی باید شیوه و سلیقه خود را با قابلیت‌های مخصوص نی لحاظ کنید. برگردان و ترجمه ردیف تار به نی، روشی است ممکن. آقای عن‌دلیبی این کار را در «ردیف میرزا عبدالله» انجام دادند. من در جلد چهارم کتاب مشق نی که در دست انتشار است ردیف میرزا عبدالله را از روی کتاب زان دوربیک برای نی نوشتم. ردیف نی از استاد حسن کسایی نیز موجود است که در آن تکنیک‌ها کاملاً براساس شخصیت نی اجرا می‌شوند.

«چشم‌انداز موسیقی دستگاهی را چطور می‌بینید؟ موسیقی فاخر ما باز هم لطفی و کسایی و مشکاتیان و... خواهد داشت؟

موسیقی ناب یا دستگاهی‌های موسیقی مانا و سیال و همیشه با زمان و مکان هماهنگ است. میرایی با ذات این موسیقی جور در نمی‌آید. فقط یک نکته یادمان نرود که موسیقی سنتی در دلش شاخه‌ها و درجات مختلف دارد. بخشی از آن مایل به عوام‌گرایی است. هنرمندانی بودند و هستند که ردیف را آموختند و در کارشان به گیشه روی آوردند. روزمرگی ندغنه اصلی‌شان بود و هست. اگر منظورشان به آن بخش، یعنی هنر جدی و معناگراست، باید بگویم استحکام و مانایی یک پدیده هنری دوسویه است؛ هم اجتماع و هم هنرمند در خلق، پذیرش و تثبیت هنر جدی دخیل‌اند. وقتی بستر لازم برای اعتلای فکر و فرهنگی یک جامعه فراهم نباشد و گرایش کلی جامعه به سطحی‌نگری و لذت زودگذر و تفریحی غالب باشد، کار و صدای هنرمند اندیشمند دیده و شنیده نمی‌شود؛

همین‌طور بالعکس. هنرمند و جامعه حامی هم هستند. یک سویه نگاه‌کردن غلط است. به نظرم وضع کنونی موسیقی پادرواست. ما در وضعیت پو‌ست‌اندازی و گذار هستیم. در دوره گذار تمام تاخت‌وتازها متوجه سنت است و هرچه نام سنت داشته باشد، متمم به واپس‌گرایی و واپس‌ماندگی است. در صورتی‌که موسیقی ما شاور و پویاست و صرفاً در لفظ واژه سنت را یک می‌کشد. ریشه عمیق تاریخی، پشت این جریان است و به‌آسانی فراموش نمی‌شود. تازه در این سال‌ها مدرنیسم آقایان را هم دیدیم. ته آن به بن‌بست رسیدند و دوباره در شکلی ضعیف‌تر آ‌بشخور موسیقی ردیف شدند. این نسل که فعلاً سوار مجارست یک نسل گمراه است و بی‌نام‌ونشان و ملعبه‌ای است از فرهنگ‌های شبه‌هندی و... مدام در حال تست‌زدن و تجربه‌کردن است و خروجی موقفی نداشته است. آثار گذشته را اگر کنار کارهای اخیر بگذاریم، موسیقی کنونی –نه جدید- حرفی برای گفتن ندارد. در رابطه با سؤال دومتان باید بگویم چهره‌های ممتاز و تأثیرگذار هنری از سر اتفاق متولد نمی‌شوند و رشد نمی‌کنند، بلکه فاکتورها و عوامل کوناگون در پیدایی آنان نقش دارند. در‌حال‌حاضر از اثری که باعث پرورش نوازندگان و آهنگ‌سازان توانمند به باریشه باشد خبری نیست. امروز با این اوضاع آشفته نباید منتظر ظهور مشکاتیانی دیگر در موسیقی باشیم. در ضمن، تحول چیزی نیست که سریعاً اتفاق بیفتد و مستلزم پروسه طولانی‌تری است. این کارهای ناشونده موجود در قفسه‌های فروشگاه‌های موسیقی تحول نیست، فقط آب به هاونگ کوپین است. ردیف را اثر منجمد و ارتجاعی می‌پنداریم و بعد سراغ موسیقی‌های عجیب‌وغریب می‌رویم و از مخلوط آنها یک چیز عجیب‌وغریب‌تر و بی‌بایه

آوازها

«به نظرم وضع کنونی موسیقی پادرواست. ما در وضعیت پو‌ست‌اندازی و گذار هستیم. در دوره گذار تمام تاخت وتازها متوجه سنت است و هرچه نام سنت داشته باشد متمم به واپس‌گرایی و واپس‌ماندگی است. در صورتی‌که موسیقی ما شاور و پویاست و صرفاً در لفظ واژه سنت را یک می‌کشد

آوازها

بیشتر تحت‌تأثیر سیتار هندی‌اند تا شیوه بنیادین قدما. حفظ سنت و دستیابی به زبان نو نیاز به کار فکری دارد و این باید در دانشگاه به چالش کشیده شود. امروزه نوازندگان از سنت خیلی دور شدند و دچار یک بلا تکنیکی مغرط هستند. استادان دانشگاه وظیفه‌ای غیر از آموزش و انتقال منابع و مآخذ موسیقی دارند و آن دادن شناخت مفهوم تحول در هنر است. البته اگر خودشان به این علم آشنا باشند. در پایان به نظرم موسیقی کنونی بیش‌تر یک موسیقی تجربی است، نه موسیقی متحول.

«استاد کسایی را از دست دادیم؛ درواقع فردی که بهترین صدا را از نوازندگی ایشان شنیدیم و همچنین قوی‌ترین بداهه‌نوازی‌ها و اصولی‌ترین جواب آوازها را.

اوضاع نی را بعد از ایشان چگونه می‌بینید؟

کسایی در نی مرجع نی‌نوازان است. هیچ نی‌نوازی بدون مشق آثار کسایی نی‌نواز نمی‌شود. درست گفتید. استاد حسن کسایی بدون‌شک سرآمد نی‌نوازی است. ما در واقع دو شیوه در نی بیشتر نداریم؛ سبک نایب اسدالله و سبک کسایی. البته استاد کسایی در بخش‌هایی از آثارش تحت تأثیر نایب هم هست. اما کسایی تقریباً از هر آنچه در حد و توان ساز نی بوده استفاده کرد. تکنیک‌هایی که استاد در نی پیاده کرد، بی‌نظیر است و نغمات زیبایی آفرید. شیوه کسایی شیوه‌ای است مؤخذ که هر نی‌نوازی

هنر

برای ارتقای سطح نوازندگی‌اش از آن پیروی می‌کند. پرورنده کسایی‌ قطور و پیرای است؛ مثل یک دایره‌المعارف. نی‌نوازی نیست که برای یادگیری به سراغ آثار کسایی نرود. سونوریت‌ه ساز کسایی زیباست و نزدیک‌شدن به آن دشوار، اما لحن نوازندگی‌اش را خیلی‌ها تقلید می‌کنند؛ چیزی که خود ایشان نمی‌پسندید. تا حدودی تقلید را توصیه می‌کرد اما ماندن در آن را بی‌هنری می‌دانست. ذات هنر در کشف فضاهای تازه است، نه تقلید. تقلید در ابتدا لازمه کار است، ولی ادامه آن در سطحی ضعیف‌تر هنر محسوب نمی‌شود. ناقصه نماد کسایی مربوط به دورانی است که هم‌زمان با ایشان شاگردان مستقیم و غیرمستقیم‌شان استادان برجسته، محمد موسوی، حسن ناهید، کیانی‌نژاد، عن‌دلیبی، فروهری و... در این حوزه نقش آفرینی خوبی داشتند و برای نی زحمات زیادی کشیدند. به‌جرتت بگویم نینوا، اجرای جمشید عن‌دلیبی به‌تثهایی به اندازه آثار کسایی در معرفی و جذب نی در میان عامه مردم مؤثر بود و همچنین آثار استاد موسوی و دیگران. پس نی صرفاً به کسایی خلاصه نشده است. در سه دهه سکوت استاد، شاگردان و نسل دوم نی فعالیت چشمگیری داشتند. کسایی بین نسل شنونده رادیویی دهه ۵۰ معروف بود. بعد از انقلاب و با تغییر یک نسل و خانه‌نشینی ایشان ما نمی‌توانیم حضور پرقدتر استاد محمد موسوی را نادیده بگیریم. محمدعلی کیانی‌نژاد در این وادی سبک نوازندگی‌اش سبکی کاملاً جدا از سبک کسایی است. قصد من تأیید این سبک نیست، ضعیف یا قوی و درست یا نادرست‌بودنش به کنار، ولی راه و روش دیگری را ارائه دادند. به همین ترتیب آقای عن‌دلیبی در نوازندگی بیشتر پیرو ردیف میرزا عبدالله است و کسایی من خودم در اولین آثار تکنوازی‌ام با استاد بیزن کامکار سراغ تصنیف‌نوازی رفتم؛ کاری که هیچ‌کس نکرده بود. این خلا و فضای خالی، یعنی تصنیف‌نوازی با کارهایم پر شده است. در آثار کسایی و نسل دوم، تصنیف‌نوازی جایی ندارد و این روند تجربی قطعاً در اشکال مختلف ادامه خواهد داشت البته اضافه‌کردن تکنیک‌های جدید کمی بعید است، تکنیکی غیر از کسایی. اینجا که گفتیم مربوط به یک دهه قبل است. در‌حال‌حاضر من به‌طور جدی کار جدیدی نمی‌بینم. اصلاً نوازندگان فعال نیستند و بدون انگیزه منفعل و خانه‌نشین شده‌اند. مدت‌هاست حال نی خراب است. هیچ کاری از نی منتشر نشده. مردم ایران باور کنید ساز نی را از سایر سازها بیشتر دوست دارند و با احترام ویژه به آن نگاه می‌کنند. البته‌های منتشرنشده دست استادان هست ولی به دلیل استقبال‌نشدن و سرمایه‌گذاری شرکت‌های موسیقی حاضر به انتشارش نیستند. با این اوضاع، نی دچار یک رخوت طولانی خواهد شد. راه برطرف‌زفت از این بحران بر دوش نسل جدید است. استاد زحمتاشان را کشیدند. این رسالت را نسل امروز نی باید به دوش بکنند.

«مقاله «حال و آن» که از سوی استاد لطفی مطرح شد و استادان دیگر، هر کدام از واژه دیگری برای تعریف حس در نوازندگی استفاده می‌کردند، در روند زندگی هنری مسعود جاهد چه جایگاهی داشته و دارد؟

آن در یک لحظه پدید می‌آید و باعث خلق اثر می‌شود ولی حال، باعث شکوفایی آن اثر می‌شود و همراه با پشتوانه تئوریک تکمیل می‌شود و با احساسی درونی به اوج می‌رسد. هر دو به قول استاد لطفی، مکمل یک هنرمندند و هنرمندی با این ویژگی، هنرمندی طراز اول است و پویا. من به هر دو حالت وابسته‌ام و تلاشم رسیدن به آن مرحله است.

«درباره کار آخری که انجام دادید کمی صحبت کنید...»

این آلبوم اخیراً با توجه به شرایط سختی که داشتم شکل گرفت. از طرف خانم منیره رفیعی به من پیشنهاد شد. ایشان خواستار ضبط اشعارشان با دکلمه و صدای من شدند. ابتدا ی‌که خوردم و زیر بار نرفتم و با اصرار و فاکتورها به دلایلی که آوردند، پذیرفتم و شروع به کار کردم. اشعارشان را مطالعه کردم، فرم و محتوای خاصی داشت، بیشتر اشعارش طولانی و وزن‌های پیش‌بینی‌نشده و گواهِ بلند داشت.

طبیعتاً خواندنش هم سخت و دشوارتر از اشعار آشناست. در برداشت اول دکلمه انجام شد و به جای موسیقی انتخابی با نی، این سنتی‌ترین و تاریخی‌ترین ساز بنسر، دکلمه اشعار را در دستگاه‌های مجری کار. ترکیب در ماهر فضاهایی از ردیف میرزا عبدالله را اجرا کردم. نغمه‌های بکر سنتی در کنار واژه‌ها و مفاهیم شعر نو باعث خلق یک اثر تازه با پیوند و اشتراک سنت و مدرنیته شد. هرکدام با زبان خودشان روایت خاص خودشان را دارند و در می‌کس هم میزان صدای وکال و نی کاملاً بالانس و هم‌تراز است؛ نی در اینجا برخلاف معمول، پس‌زمینه صدای انسان نیست بلکه به موازات آن با لحن و شیوه خاص تکمیل‌کننده آوای انسان شده. کاری که تا حالا در زمینه شعرخوانی، آن هم شعر نو انجام نشده است. ایده‌های تازه غیرقابل‌پیش‌بینی بود و در داخل استودیو به ذهنمان رسید مهم‌تر اینکه در هر شعر قسمت‌هایی از یک شعر را در گوشه‌های مختلف دستگاه ماهر در اوکتاو پایین نجوا و زمزمه کردم. تأکید می‌کنم نجوا نه آواز. نجوایی در یک گوشه مشخص. زمزمه این اشعار یک فضای صمیمی و ساده‌ای را رقم زده که هر شنونده‌ای با شنیدنش با آن زیر لب همراه می‌شود. این تجربه به‌نوعی به من ثابت کرده که گوشه‌های ردیف در همان گستره، امکان شعر نو را دارند. می‌ماند به تسلط و برداشت شخصی مجری کار. ترکیب شعر نو با آوای نی و نجوای یک شعر نو در قالب موسیقی دستگاهی، یک تجربه است و تا قبل انتشار و واکنش مخاطب جدی نیاز به توضیح بیشتر نیست. ضمناً دو تصنیف از روی این اشعار ساختم. یکی به همراه دف آقای فرزا عن‌دلیبی و دیگری بدون عنصر ریتم در ضرابهنگ ۸/۶ سنکین یا چند نی پیاده کرد، بی‌نظیر است و نغمات زیبایی کار را بگذاریم برعهده مخاطب آگاه پس از انتشار.

چه وقت انسان شدم؟

دست‌کم من به این شکل به زیبایی نگاه می‌کنم؛ منتها اینکه رنگ آرام‌آرام از کارم کم شد تا این مجموعه جدید که در کالری ۶ به‌نمایش گذاشتم دوباره رنگ در محیط خاکستری‌ها برگشته، حدود دو سال طول کشید تا من موفق شدم طوری این امتزاج را انجام دهم که خودم از محصولش راضی باشم. چون بحتم، بحث ماده و انرژی است، در آن کارهای اولیه‌ام که پر از رنگ بود، این رنگ بود که حرف اول را می‌زد، نه رفتار طبیعی ماده، بنابراین من شروع به حذف‌کردن رنگ کردم برای اینکه خود جرم، حرف اول را بزند تا اینکه به خاکستری‌ها رسیدم. در آنجا بود که جرم بیشتر شروع به حرف‌زدن کرد. هرچند وقتی به خاکستری‌ها دست می‌زدید، جرمی را زیر انگشتان‌تان حس نمی‌کنید. برای اینکه این جرم نازک‌تر از آن است که بتوان با دست لمسش کرد، کم‌الینکه خیلی‌ها هم فکر می‌کردند و هنوز هم فکر می‌کنند که این کارها عکس هستند. قبل‌تر هم که به فوتون‌الیسم اشاره کرده بودم، منظوم این بود که نمود ظاهری کار طوری است که انگار یک هنرمند هاینرئالیست این پرده را ساخته که این حاصل یک برخورد انتزاعی با نقاشی است. در اصل این نقاشی‌ها به شکلی دیگر شکل گرفته‌اند، ولی حاصلش از عکس هم واقعی‌تر به‌نظر می‌رسد. وقتی عکس مواجه می‌شویم می‌دانیم که عکس است؛ ولی موقع مواجهه با خاکستری‌ها تا وقتی که ببینده به تابلو دست نزد خیاالش راحت نمی‌شود که مسطح است.

خود این برای من جالب است؛ یعنی اینکه مخاطب به کار چه رابط‌های برقرار می‌کند. من حدود هشت سال توی خاکستری‌ها بودم، چنان‌که گاهی وقت‌ها دلم برای رنگ تنگ می‌شد، منتها کارم هنوز با خاکستری‌ها تمام نشده بود. هنوز هم فکر می‌کنم که کارم با خاکستری‌ها تمام نشده و گوشه‌هایی دارد که می‌توانم برگردم. برای اینکه بخواهم میل رنگ‌خواهی‌ام را ارضا کنم، کار را خیلی رنگی شروع می‌کردم که بتوانم رنگ‌بازی‌ها را انجام دهم و دلم سیر شود و بعد یواش‌یواش به سراغ خاکستری‌ها می‌رفتم ولی در این دوره جدید می‌بینید که رنگ چگونه به کارها برگشته؛ ولی هنوز محیط خاکستری حفظ شد.

«شما در آمریکا نقاشی خواندید، می‌توان در آثارتان تأثیر نقاشان میدان رنگی را دید، این خصایص در آثارتان محصول توجه به آنهاست؟ به‌نظر می‌رسد که در آثارتان تلاش می‌کنید ببینند را به داخل پرده بکشید. این خصیصه در کار برای‌تان اهمیت دارد؟

بله، من فکر می‌کنم که اثر هنری باید جاذبه داشته باشد؛ وگرنه چگونه می‌تواند تأثیر داشته باشد و همان‌طور که توضیح دادم جاذبه را زیبایی به‌وجود می‌آورد؛ اما اینکه کار من در نقاشی به این‌وسه رفته به‌خاطر تأثیر حرکت‌های انتزاع پسانقاشان و امثال آن نیست؛ بلکه حاصل اتفاقی است که برای هر نقاشی در آتیه‌اش می‌افتد. اوایل که به ایران رسیدگی بودم و می‌خواستم کار کنم، طبق معمول رنگ از دستم ریخت روی زمین و زمین هم یک مقدار خیس بود. این دو ماده شروع کردند در غیاب من به گفت‌وگو با هم و بعد دیدم که جقدر طبیعت دارد در آنجا نقش بازی می‌کند و آنجا بود که جرقه این ایده در ذهنم زده شد؛ درحالی‌که قبلاً بارها و بارها این اتفاق برای من بی‌تفکار، آن را زشت و قبیح می‌کند و آنجا بود که جرقه این کارها نشده بود.

«تکنیک شما چگونه است؟ حاصل رنگ‌های خیلی رقیق است؟

بله، رنگ خیلی رقیق می‌شود؛ البته در کارهایم غلظت رنگ هم وجود دارد؛ ولی استفاده از رنگ‌های غلیظ در کارم موضعی است؛ ولی اساساً وقتی دارم صحبت می‌کنم منظوم سیالیت قضیه است؛ یعنی می‌گویم وقتی یک واقعیت سیال را بازسازی می‌کنم که تعدداً شبیه غلغره‌های کلان است؛ یعنی تعدداً با سیالیتی مواجه هستم و برای اینکه سیالیت وجود داشته باشد، رنگ باید رقیق باشد.

گالری گردی

نقاشی‌های فرشید شیوا از ۸ چهره فرهنگی

شرق: نقاشی‌های فرشید شیوا با عنوان «مواجهه»، عصر جمعه ۲۵ دی، در گالری شکوه رونمایی می‌شود. این نمایشگاه شامل هشت پرتره از هشت چهره فرهنگی ایران همچون محمود دولت‌آبادی، بهمن محصص، پرویز تئاولی، منوچهر معتبر، واحد خاكدان، علی‌اکبر صادقی و... است. فرشید شیوا که از سال ۸۷ روی نقاشی پرتره‌های بزرگ متمرکز است، در این نمایشگاه پنج اثر از مجموعه «مواجهه» که در سه سال اخیر کار شده و تاکنون دیده نشده است، درکنار سه اثر از مجموعه پرتره‌های گذشته‌اش، با تکنیک رنگ و روغن را به نمایش می‌گذارد. فرشید شیوا، متولد ۱۳۵۳ تهران است، او فارغ‌التحصیل کارشناس نقاشی و کارشناس ارشد تصویرسازی از دانشگاه هنر تهران و عضو هیأت‌مدیره و نایب‌رئیس مؤسسه فرهنگی– هنری قباد شیواست؛ شیوا در سال ۱۳۹۳ مدرک تکمیلی افتخاری درجه یک هنری، از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت کرده است. همچنین چاپ کتاب «طراحی‌های ذغالی فرشید شیوا»، و حضور در آرت اکسپو تهران در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۹۲، شرکت در حراج corrette de saint cyr پاریس در سال ۲۰۰۹ و art walk festival لس‌آنجلس در سال ۱۳۸۸ را در کارنامه هنری خود دارد. نمایشگاه نقاشی‌های «مواجهه»، هفتمین نمایشگاه انفرادی شیوا محسوب می‌شود و تا ۳۰ دی در گالری شکوه دایر خواهد بود. علاقه‌مندان می‌توانند هم‌روزه به‌جز پنجشنبه‌ها و تعطیلات رسمی، از این آثار از ساعت ۱۲ الی ۲۰ در کالری شکوه واقع در فرمانیه، بلوار اندرزگو، خیابان سلیمی شمالی، کوچه امیر نوری پلاک ۱۹ دیدن کنند.

برده نقره‌ای

اعلام فهرست ۹ فیلم جدید بخش رقابتی جشنواره برلین

مسئولان جشنواره فیلم برلین ۲۰۱۵ فهرستی جدید از ۹ فیلم را به جمع نامزدهای خرس طلای بهترین فیلم این رویداد سینمایی اضافه کردند. به گزارش ایسنا، بر این اساس «نامه‌هایی از جنک» ساخته «ایوو فریرا» (پرتغال)، «ازدها وارد می‌شود» ساخته مانی حقیقی (ایران)، مستند «آتش در دریا» به کارگردانی «جیانفرانکو روسی» (ایتالیا و فرانسه)، «لالایی برای یک راز غم‌انگیز»، «کمیون» ساخته جدید «توماس وینتربرگ» (دانمارک، سوئد و هلند)، «چیزهایی که می‌آید» به کارگردانی «میا هنسن لائو» (فرانسه، آلمان، ۱۷ سالگی» ساخته «آندره تششین» (فرانسه)، «مرک در سارایوو» ساخته «دنس تانویچ» (فرانسه و بوسنی هرزگوین) و «ایالات متحده عشق» از «توماس واسیلیفسکی» ۹ فیلم اضافه‌شده به بخش رقابتی شصت‌وششمین جشنواره فیلم برلین هستند. به گزارش وب‌سایت جشنواره برلین، پیش از این نیز «تابغه» اولین تجربه بلند سینمایی «مایکل گرندج» کارگردان سرشناس تئاتر انگلیس، «ویژه نیمه‌شب» ساخته «جف نیکلز»، «روزهای صفر» به کارگردانی «الکس گیبینی»، «تتها در برلین» ساخته «وینسنت پرز» کارگردان فرانسوی و درام کاندالایی «بوریس بدون بناتریس» ساخته «دنیس کوته» به عنوان فیلم‌های بخش رقابتی جشنواره برلین ۲۰۱۶ معرفی شده بودند. شصت‌وششمین دوره جشنواره فیلم برلین از ۱۱ فوریه (۲۲ بهمن) با حضور «مریل استریپ» بازیگر برنده سه جایزه اسکار هالیوودی در راس هیأت داوران با نمایش فیلم «ردود بر سزار» ساخته جدید «برادران کوئن» آغاز به کار می‌کند و تا ۲۱ فوریه (دوم اسفند) ادامه خواهد داشت.

هفت جهان

واکنش کاخ سفید به مصاحبه «شان پن»

مصاحبه مخفانه شان پن با قاجاچی مواد مخدر با بازتاب‌های زیادی روبرو شده که یکی از آنها واکنش دفتر ریاست‌جمهوری آمریکا بوده است. به گزارش «ایسنا»، پس از اینکه شان پن، بازیگر شناخته‌شده هالیوود، در ماه اکتبر دیدار و مصاحبه‌ای مخفانه با خواکین کورن لوترا معروف به ال چاپو، رهبر یکی از بزرگ‌ترین شبکه‌های تولید و پخش مواد مخدر جهان، انجام داد و آن را در نشریه اورلینگ استون به چاپ رساند، «لا ماسوران فدرال آمریکا قصد دارند وارد پرورنده همکاری این بازیگر هالیوودی و این قاجاچی بدنام شوند. بسیاری از سیاست‌مداران آمریکا از این مصاحبه بسیار خشمگین شدند و دنس مک‌دوفو، از مقامات کاخ سفید، نیز در واکنش به این مصاحبه گفت: «از اظهارات ال چاپو که خودش اقرار کرده بزرگ‌ترین کارتل مواد مخدر جهان را رهبری می‌کند، بهت‌زده شدم». این مقام کاخ سفید درباره تصمیم شان پن در برقراری ارتباط با ال چاپو نیز گفت فردی را مأمور رسیدگی به کارهایی که شان پن انجام داده و انجام نداده، خواهیم کرد. مارکو روبیو، سناتور و از نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، طبق معمول رنگ از دستم ریخت روی زمین و زمین هم یک مقدار خیس بود. این دو ماده شروع کردند در غیاب من به گفت‌وگو با هم و بعد دیدم که جقدر طبیعت دارد در آنجا نقش بازی می‌کند و آنجا بود که جرقه این ایده در ذهنم زده شد؛ درحالی‌که قبلاً بارها و بارها این اتفاق برای من بی‌تفکار، آن را زشت و قبیح می‌کند و آنجا بود که جرقه این کارها نشده بود.

